

الف | ارزیابی اجلاس ۲۷ سران عرب در موریتانی: اضمحلال نظام رسمی عرب

بیست و هفتمین نسخه اجلاس سران عرب در موریتانی اضمحلال نظام رسمی جهان عرب را به نمایش گذاشت، زیرا به گفته بسیاری از ناظران سیاسی امور خاورمیانه، وقتی سران عرب، خود از شرکت در اجلاس سران به دلیل برگزاری آن در یک کشور فقیر امتناع می کنند، و از درک شرایط بسیار ویژه خاورمیانه عاجز مانده‌اند دیگر نمی توان از نظام رسمی عرب توقع خاصی داشت.

اجلاس سران عرب در نواکشوت پایتخت موریتانی روز دوشنبه ۴ مرداد برگزار شد. سطح مشارکت سران عرب در بیست و هفتمین اجلاس سران آنقدر پایین بود که انتقاد بسیاری از ناظران غربی و عربی مستقل را برانگیخت. فقط ۴ تن از سران کشورهای عضو اتحادیه عرب در این اجلاس شرکت کردند. قرار بود این اجلاس در مراکش برگزار شود، اما این کشور کمی پیش از برگزاری اجلاس، عذرخواهی کرد و به دلایل متعدد از جمله بی‌فایده بودن اجلاس‌های سران عرب از پذیرش میزبانی آن خودداری کرد.

دستور کار بیست و هفتمین اجلاس سران عرب طیفی از بحران‌های منطقه‌ای نظیر بحران سوریه، یمن و عراق گرفته تا پروژه‌های ملی کشورهای عربی بود، اما آنچه بیش از همه توجه ناظران را به خود جلب کرده گزارش کمیته وزرای خارجه عربستان سعودی، بحرین، امارات عربی متحده، اردن به اجلاس سران در مورد دخالت‌های ایران در امور داخلی کشورهای عربی و حمایت از تروریسم بود. به نظر می رسد بیست و هفتمین نسخه اجلاس سران عرب در موریتانی اضمحلال

نظام رسمی جهان عرب را به نمایش گذاشت، زیرا به گفته بسیاری از ناظران سیاسی امور خاورمیانه، وقتی سران عرب، خود از شرکت در اجلاس سران به دلیل برگزاری آن در یک کشور فقیر امتناع می کنند، و از درک شرایط بسیار ویژه خاورمیانه عاجز مانده‌اند دیگر نمی توان از نظام رسمی عرب توقع خاصی داشت.

این نوشتار عمدتاً به برخورد اجلاس سران عرب با موضوع دخالت‌های ایران در منطقه اختصاص دارد. گفتنی است که اجلاس سران عرب و چند نهاد دیگر منطقه‌ای از جمله سازمان همکاری‌های اسلامی چندی است که تحت نفوذ بسیار شدید عربستان سعودی قرار گرفته‌اند. حجم و سطح مشارکت کشورهای عربی در اجلاس نواکشوت نشان می دهد که سازمان‌های رسمی عرب نظیر اتحادیه عرب به تدریج دست‌خوش بحران‌هایی شده است که از بحران داخلی کشورهای عربی بویژه کشورهای ذی‌نفوذ و نهادهای رسمی منطقه‌ای کمتر نیست:

الف. باراک اوباما رییس‌جمهور ایالات متحده آمریکا چندی پیش طی مصاحبه‌ای طولانی با نشریه آتلانتا به موقعیت کشورهای نفت خیز عرب از جمله عربستان سعودی در جهان معاصر پرداخت و به رهبران این کشور توصیه کرد علل و عوامل بحران‌های فزاینده را در دوران خود جست و جو کرده و از صدور بحران به خارج و انتقاد از عوامل خارجی پرهیز کنند. این توصیه، توصیه رییس‌جمهور آمریکا به متحد منطقه‌ای خودش است، اما این توصیه‌ها چندان مورد توجه رهبران عربستان سعودی و دیگر کشورهای عمدتاً عرب حاشیه جنوبی خلیج فارس قرار نگرفت. هنگامی که کارنامه اجلاس‌های سران عرب را از بدو تأسیس اتحادیه عرب تاکنون مورد بررسی قرار می دهیم، سران عرب همواره علل و عوامل عقب ماندگی‌های سیاسی و اقتصادی و بحران‌های امنیتی استراتژیک را به عوامل بیرونی ارجاع می دهند. نسخه بیانیه‌های نهایی اجلاس‌های سران عرب اکنون پیش روی ناظران قرار دارد. هنگامی که جنبش ناسیونالیسم به رهبری جمال عبدالناصر سراسر جهان عرب را در نیمه دوم دهه پنجاه میلادی قرن پیش فراگرفت، بسیاری از کشورهای عربی بویژه عربستان سعودی، قومیت عرب را بدعتی نوین و غیرسازگار با فرهنگ دینی مردم مسلمان خاورمیانه تلقی می کردند. پس دوره کمونیسم و سوسیالیسم و نفوذ اتحاد جماهیر شوروی پیشین در خاورمیانه رسید که مورد سرزنش پیوسته کشورهای محافظه کار عرب قرار

گرفت. با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در پایان دهه هفتاد میلادی قرن پیشین، کشورهای محافظه کار عرب باز هم ساز مخالفت نواختند و اینبار با تکیه بر ناسیونالیسم عرب به ستیز با مفهوم امت واحده اسلامی که انقلاب اسلامی ایران از منادیان آن بود، پرداختند. این مخالفت طی سه دهه اخیر کما و بیش ادامه پیدا کرد. برای بسیاری از ناظران سیاسی حیرت آور است که سران عرب چرا یکبار، یک اجلاس سران را به بازخوانی عملکرد چند دهه کشورهای عربی و نقد درونی و اصلاح امور داخلی شان اختصاص نمی دهند؟

ج | ب. عادل الجبیر وزیر امور خارجه عربستان سعودی در اجلاس نواکشوت همه مشکلات و بحرانهای سوریه، عراق، یمن و تروریسم منطقه‌ای را به دخالت عوامل خارجی بویژه ایران ارجاع داده است. اگر بخواهیم یک یک بحرانهای منطقه‌ای را موشکافی کنیم دخالت مؤثر کشورهای محافظه کار عرب بویژه عربستان سعودی در این بحران‌ها را به طور آشکار ملاحظه می کنیم. گویا عادل الجبیر از یاد برده است که بحران عراق با اشغال این کشور از سوی ائتلافی به رهبری ایالات متحده آمریکا و نقش مؤثر عربستان سعودی و از دروازه‌های جغرافیایی کشورهای عرب خلیج فارس آغاز شد. در این جنگ، جمهوری اسلامی، رسماً اعلام بی طرفی کرد. بحران سوریه با اعزام بیش از ۲۰ هزار نیروی سلفی از ۶۰ کشور جهان با سرمایه عربستان سعودی و قطر با هدف سرنگون کردن رژیم اسد شروع شد. ایران از آغاز بحران سوریه در سال ۲۰۱۳ اعلام کرد که نفوذ تروریسم در منطقه به سوریه ختم نخواهد شد و به زودی دامنه آن همه کشورهای منطقه را فراخواهد گرفت. بحران یمن که از ماجرای بهار عربی شروع شد، بحرانی سیاسی و داخلی بود و ژنرال علی عبدالله صالح در عربستان سعودی و با موافقت و ابتکار عمل کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس قدرت را به جانشین خود عبدالله هادی منصور واگذار کرد، هنگامی که اوضاع داخلی یمن به لحاظ سیاسی باب میل عربستان سعودی پیش نرفت، ناگهان ائتلافی به رهبری ریاض جنگ دامنه داری علیه کشور فقیر یمن را آغاز کرد که اولین سال خود را با ده‌ها هزار کشته و زخمی تجربه می کند. کشورهای محافظه کار عرب هنوز در خواب عمیق فرو رفته‌اند و نمی دانند که متهم کردن این و آن کشور به دخالت در امور داخلی شان، اوضاع اسفبارشان را تغییر نخواهد داد. آنها حتی از این نکته بسیار بدیهی غافلند که اگر به دلایل استراتژیک ترجیح

♦ فصلنامه مطالعات منطقه‌ای: آمریکا شناسی، اسرائیل شناسی، سال هفدهم، شماره دوم، بهار ۱۳۹۵

دادند که در منظومه همپیمانی با قدرتی نظیر ایالات متحده آمریکا برای حفظ موقعیت و ثبات خود قرار گیرند، حداقل از منظومه توصیه‌های واشنگتن پیروی کرده و از شلیک اتهام به این و آن کشور برای توجیه سیاستهای به شدت بی ثبات کننده منطقه خاورمیانه خودداری ورزند.